

## نقش ترکیه در بحران عراق

### مقدمه

ترکیه از زمان روی کار آمدن حزب حاکم «عدالت و توسعه» با دکترونی که به یکی از دو فرد اصلی این حزب یعنی «احمد داوود اوغلو» نسبت داده می‌شود، حل و فصل مسائل با همسایگان و توسعه روابط در خاورمیانه را جایگزین اولویت رابطه با غرب نمود. این سیاست ضمن آنکه شکست سیاست غرب‌گرای ترکیه که از زمان روی کار آمدن مصطفی کمال آتاتورک در سال ۱۳۰۲ دنبال شد را به خوبی نمایان کرد و در واقع اعتراف کرد که ترکیه ۸۰ سال به گمراهه رفته است، در عین حال این سیاست نویدبخش اصلاحات حقیقی و اساسی در سیاست‌های ترکیه بود و از این رو از این سیاست در جهان اسلام استقبال زیادی شد چرا که این سیاست نه تنها منافع ترکیه را تأمین می‌کرد بلکه منافع جهان اسلام را نیز تا حد زیادی در پی داشت و در عین حال می‌توانست به اتخاذ سیاست مشابه از سوی سایر کشورهای اسلامی، منجر شود.

بعد از اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ روابط ترکیه و عراق متحول شد. رویکرد سیاسی ترکیه در ابتدا بر ابعاد امنیتی متمرکز بود. مسئله حضور پ.ک.ک. در مناطق کردستان از یک سو موجب نگرانی مقامات سیاسی ترکیه شده بود. به خصوص در شرایط جنگی حاکم بر عراق این تهدید می‌توانست افزایش یابد. از سوی دیگر ترکیه نسبت به اقلیت ترکمن ساکن در عراق و سرنوشت آن‌ها حساس بود. از این رو با افزایش درگیری‌های قومی و مذهبی به‌ویژه بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸ ترکیه با تمرکز بر جنوب و مرکز عراق سعی در جلوگیری از بروز جنگ داخلی در عراق داشت. از نگاه دولت ترکیه هر گونه ناآرامی در عراق می‌توانست به ترکیه هم منتقل شود. طی این مدت و از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ توسعه روابط سیاسی ترکیه و عراق موجب شکوفایی روابط تجاری دو کشور شده است. به گونه‌ای که در حال حاضر عراق دومین شریک تجاری بزرگ ترکیه بعد از آلمان است. حجم مبادلات تجاری دو کشور در سال گذشته به ۱۲ میلیارد دلار رسید. بیش از نیمی از این میزان تجارت با منطقه نیمه خودمختار کردستان عراق صورت گرفته است. اما متأسفانه این سیاست عمر کوتاهی داشت و حدود ۶ سال پس از آنکه اعلام شد به حاشیه رفت و سیاست‌های دیگر که به موقعیت منطقه‌ای ترکیه آسیب وارد می‌کرد، جایگزین آن شد. در این میان ترکیه در فاصله سه سال اخیر در سه درگیری منطقه‌ای علیه کشورهای مؤثر این منطقه شرکت کرد. شرکت حدود چهل جنگنده ترکیه در جنگ علیه لیبی در تابستان ۱۳۹۰ به بهانه عضویت ترکیه در ناتو، شرکت در جنگ تروریزم علیه سوریه در فاصله سال‌های ۹۰ تا ۹۳ و هم‌اینک مشارکت در جنگ تروریزم علیه عراق در این جهت صورت گرفته است اما چرا ترکیه سیاست نزدیکی به خاورمیانه را به دشمنی با بعضی از کشورهای مسلمان آن تبدیل کرد؟

سیاست بی‌طرفی و میانجی‌گرایی ترکیه در عراق پس از چندی جای خود را به مداخله ترکیه و حمایت از برخی از احزاب و گروه‌های سیاسی داد. تغییر سیاست ترکیه ناشی از متغیرهایی بود که بر نقش و نفوذ ترکیه در عراق و منطقه تأثیرگذار بودند. در این راستا به ۳ مورد اشاره می‌کنیم.

### الف- انتخابات پارلمانی ۲۰۱۰ عراق

انتخابات پارلمانی مارس ۲۰۱۰ عراق و قطب‌بندی‌های جدید سیاسی گروه‌ها و احزاب سیاسی نه تنها بر شرایط سیاسی در عراق تأثیرگذار بود بلکه در سطح منطقه‌ای نیز بازخورد یافت. در این راستا ترکیه با قرار گرفتن در کنار ائتلاف العراقیه به عنوان ائتلاف احزاب سنی و سکولارهای عراق به رهبری ایاد علاوی که در رقابت با ائتلاف دولت قانون مالکی فعالیت می‌کرد، آشکارا به مداخله در امور سیاسی عراق پرداخت و زمینه‌ساز تنش میان عراق و ترکیه شد.

برگزاری انتخابات پارلمانی در عراق و حمایت ترکیه از گروه و جریان فکری خاص نشان از نارضایتی ترکیه از سیر حوادث در عراق و نگرانی این کشور از نقش پررنگ گروه‌های مذهبی و عمدتاً شیعه در این کشور داشت. از این رو ترکیه به عنوان کشوری که از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۰ به عنوان حافظ وضع موجود در عراق ایفای نقش می‌کرد در آستانه انتخابات پارلمانی با محاسبه هزینه فایده به این نتیجه رسید که ادامه سیاست بی‌طرفی در تحولات سیاسی عراق در میان مدت و بلند مدت به سود ترکیه نبوده بلکه این روند نهایتاً منجر به افزایش قدرت مانور سایر بازیگران منطقه‌ای که روابط حسنه‌ای با نخبگان حاکم در عراق دارند خواهد شد. از این رو انتخابات پارلمانی عراق و مداخله ترکیه در سیر حوادث ترکیه پرده از تغییر موضع و سیاست ترکیه در قبال عراق و چرخش سیاست خارجی این کشور از سیاست بی‌طرفی و میانجی‌گری به سمت مداخله و نقش آفرینی در عراق با تأکید بر تغییر روند سیاسی که نهایتاً به تقویت نیروهای سنی و سکولار که عمدتاً با سیاست‌های ترکیه همراه بوده و نسبت به متحدین دولت فعلی عراق از سیاست‌های خصمانه پیروی می‌کنند گردید.

جوست هیلترمن یکی از کارشناسان گروه بین‌المللی بحران می‌گوید اولین اشتباه استراتژیک ترکیه فاصله گرفتن از تمام بازیگران سیاسی در عراق و حمایت از یک گروه خاص بود. به نظر می‌رسد حمایت ترکیه از گروهی خاص در عراق تأثیری منفی بر نقش و نفوذ این کشور در عرصه تحولات سیاسی عراق بر جای بگذارد. به‌ویژه که بسیاری اقدامات اردوغان را در حمایت از گروه‌های سنی در عراق را ناشی از گرایش‌های مذهبی ترکیه قلمداد می‌کنند.

#### ب- خروج نیروهای نظامی آمریکا از عراق

از دیگر فاکتورهایی که تأثیر مهمی بر تغییر سیاست ترکیه در عراق بر جای گذاشت خروج نیروهای نظامی آمریکا از عراق بود. به دنبال خروج نیروهای آمریکایی از عراق، مداخله ترک‌ها در عراق نیز ابعاد گسترده‌تری به خود گرفت. در نگاه سیاستمداران ترکیه خروج نیروهای نظامی ایالات متحده خلأ قدرتی در عراق ایجاد کرد و این موضوع می‌توانست منجر به افزایش نفوذ برخی از قدرت‌های منطقه‌ای از جمله ایران در عراق شود. به‌ویژه اینکه دولت حاکم در عراق از روابط خوبی با ایران برخوردار بود. از این رو فعال شدن ترکیه در صحنه سیاسی عراق و حمایت از افراد و احزابی که علایق و منافع مشترکی با ترکیه دارند از اهداف اصلی آنکارا پس از خروج نیروهای نظامی آمریکا از عراق بود.

#### ج- بحران سوریه

یکی از اختلاف‌های استراتژیک میان عراق و ترکیه ناشی از تحولات منطقه‌ای و موضع‌گیری متفاوت دو کشور در قبال آن است. بروز ناآرامی در سوریه و بحرین و مواضع متفاوت دو کشور در این میان نقش مهمی بر روابط سیاسی دو کشور داشته است. محور ترکیه، عربستان، قطر در قبال ناآرامی‌های سوریه بلافاصله موضع‌گیری کرده و خواهان کناره‌گیری اسد از قدرت شدند. حمایت قاطع عربستان از حکومت بحرین و اتخاذ سیاست بی‌تفاوتی در قبال بحرین از سوی ترکیه و حتی متهم کردن مردم انقلابی این کشور به وابستگی به دولت‌های خارجی گویای این بود که ترکیه بیش از آنکه درد دموکراسی و حاکمیت دولت‌های مردمی در منطقه را داشته باشد، خواهان دستیابی به اهداف و منافع استراتژیک خود در منطقه است و آن را در قالب اتحادها و ائتلاف‌های منطقه‌ای جستجو می‌کند. در این میان بسیاری از کارشناسان سیاسی از شکل‌گیری محور ایران، عراق، سوریه، لبنان از یک سو و محور ترکیه، عربستان، قطر و کشورهای غربی از سوی دیگر سخن می‌رانند. ترکیه همچنین بزرگ‌ترین حامی اپوزیسیون سوریه بوده و میزبان شورای ملیسوریه (SNC) در استانبول شده است. عراق سیاست‌های ترکیه در سوریه را در قالب منازعات فرقه‌ای می‌بیند که در آن ترکیه درصدد حمایت از سنی‌های سوریه و نهایتاً جایگزینی دولتی سنی به عنوان آلترناتیو دولت سوریه است. این موضوع گویای رقابت‌های استراتژیک بازیگران منطقه‌ای است و قاعدتاً بر روابط عراق و ترکیه به عنوان کشورهای مهم منطقه تأثیرگذار بوده است.

همچنین ترکیه از نظر جغرافیایی احساس تنگنا می‌کند. در شمال و غرب ترکیه کشورهای اروپایی قرار دارند که حدود ۸۰ سال پیش بخش‌هایی از ترکیه بوده‌اند و اینک با آنکارا عمدتاً در شرایط مخاصمه هستند و کشورهای بلغارستان، یونان و قبرس را شامل می‌شوند. به غیر از این روابط ترکیه با ارمنستان در شمال شرقی نیز خصمانه است. ترکیه در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران در مرزهای شرقی خود نیز حس رقابت داشته و همواره درصدد مدیریت این رقابت به نفع خود است. به غیر از این ترکیه برای اتصال به حوزه عربی به دو کشور سوریه و عراق شدیداً وابسته است و این در حالی است که از زمان روی کار آمدن دولت حزب عدالت و توسعه، این دو متحد استراتژیک ایران شناخته شده‌اند. در این بین ترکیه تلاش کرده است که با اثرگذاری روی این دو واحد عربی از یک سو راه زمینی ورود خود به جهان عرب و از طریق آن به منطقه را باز کند و از سوی دیگر قدرت مهم‌ترین رقیب خود یعنی ایران را تضعیف نماید.

البته اردوغان پس از شکست در سوریه مدتی حالت غیرفعال به خود گرفت. مرزهای ترکیه از اوایل سال جاری شمسی از سوی ارتش ترکیه کنترل شده و دولت اردوغان مخالفت خود را با تداوم درگیری در مناطق مشرف به مرزهای شمالی سوریه ابراز کرده است. در عین حال ترکیه در فاصله ماه‌های اخیر بارها از ایران خواسته است که برای بهبود مناسبات آنکارا-دمشق پادرمیانی کند. اما همزمان با تلاش ترکیه برای بهبود مناسبات با سوریه، شاهد جنگ‌افروزی ترک‌ها در عراق هستیم. اگر به صحنه جغرافیایی نگاه کنیم درمی‌یابیم که ترکیه در واقع در آنجا که تروریزم در مرزهای آن فعال است و هر زمان امکان سرریز شدن آن به استان‌های جنوبی ترکیه وجود دارد، میل به محدود شدن فعالیت‌های تروریستی دارد و در آنجا که مرزهای ترکیه در شرایط نسبتاً امنی قرار می‌گیرند، دولت اردوغان سعی می‌کند آن را شعله‌ور گرداند و از این طریق به منافعی دست پیدا کند. ترکیه در مواجهه با بحران عراق گمان می‌کند چندگانگی موجود در میان شیعیان، کردها و اهل سنت عراق و توزیع شدن قدرت در بغداد از یک سو و آمادگی عربستان برای ایفای نقش مستقیم در روند تروریستی عراق از سوی دیگر امکان تحقق اهداف مشترک آمریکا، عربستان، ترکیه و... را پدید آورده است. بر این مبنا ترکیه همزمان با تلاش برای به قدرت رساندن آن دسته از نیروهای کرد، شیعه و سنی که به آنکارا به‌طور نسبی گرایش دارند، در پروسه امنیتی عراق نیز به ایفای نقش پرداخت. ترکیه طی ماه‌های اخیر تلاش زیادی کرد تا به ارتباط استراتژیکی با دولت اقلیم کردستان دست پیدا کند و تا حدی هم در تحقق این هدف موفق بود. همزمان با آن ترکیه از طریق گسترش ارتباطات با طیف‌هایی از اهل سنت شامل حزب اسلامی به رهبری ایاد السامرای و ائتلاف متحدون به رهبری اسامه نجیفی تلاش کرد تا ترکیبی از نیروهای کرد و سنی حول محور آنکارا دست پیدا کند. این در حالی است که اردوغان و داود اوغلو با یک بلندپروازی گمان می‌کردند می‌توانند اختلافات بین گروه‌های شیعی را به نفع مرکب سنی کردی مدیریت نمایند که البته موفق نشدند و دو گروه صدر و مجلس اعلی با دست رد به سینه اردوغان عملاً راه حرکت ترکیه در عراق را سد کردند. نتایج پارلمانی عراق برای ترکیه خسارت‌بار بود چرا که موقعیت هر دو ضلع همسو با ترکیه در انتخابات به ضعف گرایید و مخالفان شیعه، کرد و سنی سیاست‌های ترکیه به آرای بالایی در پارلمان دست پیدا کردند. در واقع انتخابات ۱۰ اردیبهشت‌ماه عراق نشان داد که راه سیاسی ترکیه برای تحقق آرزوها و سیاست‌هایش بسته است. با بسته شدن مسیر سیاسی، ترکیه به سمت مسیر امنیتی و نظامی به‌طور مشارکتی با طرف‌های دیگر بین‌المللی و منطقه‌ای آمد. به نظر اردوغان اگر مسیر حرکت امنیتی در سوریه صعب است در عراق به دلیل تنوع گروه‌ها و توزیع قدرت، سهل است. البته این گمانه‌زنی نیز درست نیست چرا که ساختار سیاسی عراق در بحران فرصت بازسازی و برطرف کردن خلأهای خود را دارد و این می‌تواند نتایج تلخی را برای ترکیه، عربستان و آمریکا در پی داشته باشد.

در بحران عراق، ترکیه نقش یک کشوری را بازی می‌کند که در عین حضور به امکانات دیگران دل‌بسته و حال آنکه وقتی گردوغبار حادثه فرو می‌نشیند، چنین کشوری بیش از دیگران باید هزینه‌ها را بپردازد و بیش از دیگران در معرض پیامدهای تلخ و مستمر حادثه قرار می‌گیرد. امروز روابط ترکیه نه فقط با عراق که با ایران نیز به سمت ضعف و بحران گرایش نشان می‌دهد و طبعاً مردم ترکیه حق دارند از دولت آنکارا سؤال کنند که سیاست ترکیه در مرزهای نزدیک تا چه حد بر مبنای تشویق همکاری

استوار بوده و تا چه حد در معرض بحران قرار دارد. ترکیه طی سه سال گذشته نه تنها نتوانسته در سیاست خارجی، گرهی را باز کند بلکه بر مناسبات ترکیه و محیط اطراف گره‌های زیادی زده است. مشارکت ترکیه در درگیری‌های سوریه و عراق باید به بهبود روابط آنکارا - ریاض کمک می‌کرد ولی مشارکت ریاض در اسقاط دولت اخوان در قاهره نشان داد که روابط ترکیه و عربستان نیز از آن‌چنان عمقی که بتواند گرهی را باز کند، برخوردار نیست. باخت ترکیه در مصر و بحرانی شدن راه‌های آبی ترکیه در شمال - دریای سیاه - و در غرب - مدیترانه - به خوبی نشان می‌دهد که حلقه‌های امنیتی ترکیه شکسته شده‌اند و امنیت سرمایه‌گذاری که نیازمند یک تداوم منطقی در حوزه پیرامونی است در ترکیه به مخاطره افتاده است. آیا این تحولات و تأثیری که بر درآمد ملی و صادرات ترکیه بر جای می‌گذارد به زودی به شکل یک سونامی دولت اردوغان را ویران خواهد کرد؟